

گونه‌های «روش پرسش و پاسخ» و کاربرد آن در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن^۱

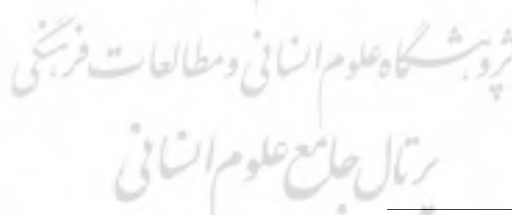
محمدجواد فلاح*

چکیده

قرآن کریم با روش‌های مختلفی به سؤالات و شبهات دینی پاسخ می‌دهد. یکی از این روش‌ها که فراوانی زیادی در قرآن دارد، روش پرسش و پاسخ است که به گونه‌های مختلفی در قرآن ارائه شده است. در این روش که گاه به شکل مستقیم و گاه غیر مستقیم، سؤالات و شبهات را پاسخ می‌گوید؛ مبتنی بر اهداف مختلف قرآن از جمله برهان آوری، مراجعه به درون و تذکر، اقناع و تأثیر وجدانی و فطری سامان یافته است. در این روش پاسخ‌دهی می‌توان گونه‌هایی را منظور کرد. این مقاله به پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی براساس «روش پرسش و پاسخ» تمرکز دارد. نتایج این روش پاسخ‌گویی در قالب‌ها و گونه‌های مختلف زمینه تأثیرگذاری شناختی و عاطفی را در مخاطب فراهم می‌کند و سبب آماده‌سازی و پذیرش افراد در مسائل اعتقادی می‌گردد. ما به روش توصیفی تحلیلی و با تمرکز بر برخی از مهم‌ترین آیات قرآن در این حوزه این روش‌ها را تبیین خواهیم کرد.

واژگان کلیدی

روش پرسش و پاسخ، پرسش و پاسخ قرآنی، پاسخ‌گویی، قرآن کریم، شبهات و سؤالات دینی.



۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مورد حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) صورت گرفته است.

mjfallah.ac@gmail.com

*. دانشیار دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

طرح مسئله

کتاب الهی روش‌های مختلفی را برای پاسخ به سؤالات و شبهات دینی و تبیین آموزه‌ها و معارف اسلامی مورد توجه قرار داده که می‌تواند در پاسخ‌گویی به سؤالات دینی برای مراجع، مراکز و کسانی که در حوزه پاسخ‌گویی دینی فعالیت می‌کنند کارگشا باشد. روش‌هایی چون برهان، جدال احسن، موعظه، تمثیل، تقسیم و دیگر روش‌ها را می‌توان در زمره روش‌های قرآن در پاسخ‌گویی به مسائل دینی دانست. این روش‌ها را می‌توان بر اساس نوع به‌کارگیری و توجه و تأکید آیات و استفاده در محتوای پاسخ، به‌گونه‌های اصلی و فرعی و یا بر اساس اهداف و غایات به استدلالی و برهانی، اقناعی و دیگر اقسام تقسیم نمود. یا اینکه برای روش‌های مهم و اصلی برخی شیوه‌های خردتر را منظور کرد که مسئله حاضر ما نیست. تمرکز این مقاله بر یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های قرآن در پاسخ‌گویی به سؤالات دینی است که در عرصه‌های مختلف اخلاقی، اعتقادی، فقهی - حقوقی و ... مورد استفاده قرآن قرار گرفته و در آیات الهی منعکس گردیده است. ما در روش «پرسش و پاسخ» ضمن توجه به ابعاد و گونه‌های این روش قرآنی در پاسخ‌گویی به سؤالات دینی مهم‌ترین پرسش‌های طرح شده در قرآن را به روش تحلیلی مورد توجه قرار خواهیم داد.

در مورد روش پرسش و پاسخ به‌ویژه با نگاه قرآنی می‌توان پرسش‌هایی را مطرح کرد. آیا ما «پرسش و پاسخ» را به‌عنوان «روش» تلقی کنیم یا «تکنیک» یا «ابزار». چراکه قرآن اهداف مختلفی را برای پرسش و پاسخ منظور دارد؛ گاهی استدلال و برهان، گاهی توجه به فطرت و وجدان‌گرایی و گاهی تذکر و موعظه. این اهداف گویای آن است که می‌توان از پرسش و پاسخ به‌عنوان تکنیک‌هایی در مسیر روش‌های مختلفی که قرآن منظور دارد یاد کرد ولی از آنجایی که قرآن به شکل مستقل به خود پرسش و پاسخ به‌عنوان یک روش عنایت داشته و در برخی موارد خود پرسش و پاسخ را به‌عنوان یک روش مستقل برای پاسخ‌گویی به سؤالات مورد توجه قرآن است ما از آن به‌عنوان یک روش مجزا یاد می‌کنیم.

به‌عنوان نمونه در بسیاری از آیات که خداوند پرسش‌های مردم را در حوزه دین با تعبیر «بستلونک عن...» مطرح می‌کند و با دستور «قل» امر به پاسخ می‌کند طرح چنین پرسش و پاسخ‌هایی در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی و ... نشان دهنده ارزش چنین محثی است و اینکه قرآن بدان نگاه مستقل داشته است.

در این مقاله ضمن گونه‌شناسی پرسش‌های قرآن بر اساس معیارهای مختلف، با تمرکز بر روش پرسش و پاسخ به تحلیل و بررسی آیات قرآن در این زمینه خواهیم پرداخت و به این پرسش، پاسخ می‌دهیم که آیات قرآن چگونه مبتنی بر این روش پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی می‌پردازد. از سوی دیگر، این روش پاسخ‌گویی مبتنی بر اهداف منظور شده در قرآن چه کارایی و اثربخشی در امر پاسخ‌گویی دینی خواهد داشت. بررسی شیوه‌های استفاده از این روش پاسخ‌گویی در آیات قرآن در حوزه اصول عقاید و مباحث کلامی به شکل موردی، مسئله این مقاله است تا بتوان به دستاوردهای ملموس و دقیق‌تری در باب تحلیل و تبیین این روش قرآنی دست یافت.

گونه‌های «روش پرسش و پاسخ»

پیش از بیان گونه‌های روش پرسش و پاسخ به تبیین مفهومی «روش پرسش و پاسخ» می‌پردازیم. روش در لغت به سبک، طریق، قاعده و قانون، اسلوب، رسم و آیین گفته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۳۳۷) در اصطلاح علوم تربیتی روش به سه مفهوم اطلاق می‌شود: ۱. مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کند، ۲. مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به‌کار رود، ۳. مجموعه ابزارها و فنونی که آدمی را در مسیر رسیدن از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۲۷)

در زبان عربی روش را «منهج» و در زبان لاتین نیز روش از «method» به معنای راه اخذشده و به معنای در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدفی معین به شرط نظم خاص است. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۸)

پس روش به معنای عام به معنی شیوه، راه، مسلک است که در بر اساس علوم مختلف و اهداف هر علم ممکن است تحقق یابد. به‌عنوان نمونه برخی محققین معتقدند برای رسیدن به معرفت (از هر سنخی) و یا توصیف واقعیت، ذهن فرایندی را دنبال می‌کند که از آن به روش یاد می‌کنند. به این بیان، روش راه‌های رسیدن به هدف است که ما را در جهت

فهم و حل مسئله‌ها بهتر به مقصد می‌رساند. (علی‌خانی و دیگران، ۱۳۸۶: ص ۲۳) به نظر می‌رسد در این تعریف از روش به‌عنوان فرایند یاد شده و فرایند را می‌توان از سلسله اجزایی در کنار یکدیگر در مسیر یک هدف مشخص انتزاع کرد. در اصل روش را می‌توان امری انتزاعی و از سنخ معقولات ثانی فلسفی دانست، حال آنکه برخی محققین روش را به ابزار روش تحویل برده‌اند و روش را ابزار معنا کرده‌اند. بر این اساس این پرسش مطرح است که آیا روش به خود راه اطلاق می‌شود یا ابزارهای رسیدن به آن؟ در این باره بین محققان اختلاف است. برخی اصطلاح روش را هم به خود «راه» و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن بازمی‌گردانند. (پارسانی، ۱۳۹۰: ۶۹؛ حقیقت، ۱۳۸۵: ۳۷) عده‌ای روش را هر گونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود دانسته‌اند. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۴) واقعیت آن است که روش به معنای خاص که معادل (method) در انگلیسی و (منهج) در عربی است غیر از ابزار است که سبب و عامل تحقق یک یا چند هدف مشخص شده است. ما بر اساس دیدگاه قرآن برای تبیین و پاسخ به سؤالات و شبهات معرفتی و اخلاقی به‌ویژه مسائل اعتقادی از پرسش و پاسخ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های قرآنی بحث خواهیم کرد. از این رو مقصود ما از روش شیوه، راه و مسلکی است که قرآن برای پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مخاطبان خود برای اهداف عالی‌تری چون هدایت و قرب اختیار کرده است.

اما برای فهم دقیق‌تر این روش تبیین گونه‌های آن می‌تواند مفید واقع شود. البته آنچه می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین محور این روش مطرح کرد طرح سؤال است که در همه اقسام و گونه‌ها عنصر محوری است. بر این اساس در یک نگاه کلی قرآن به گونه‌های مختلف به طرح پرسش و پاسخ پرداخته است. گاهی به روش مستقیم و گاهی غیر مستقیم. در روش‌های مستقیم ما با آیاتی مواجهیم که در آن خداوند سؤالاتی را به شکل صریح مطرح و به آن پاسخ داده است. در روش دوم که روش غیر مستقیم است قرآن به شیوه‌های مختلف به پاسخ پرسش اهتمام دارد که مبتنی بر اهداف و وضعیت‌های مختلف و یا نوع مخاطبان متفاوت است. با این تقسیم‌بندی کلی می‌توان مهم‌ترین اقسام پرسش‌های مستقیم را در موارد ذیل برشمرد:

۱. طرح پرسش و ارائه پاسخ به شکل مستقیم: در این روش، قرآن پرسش را مستقیم طرح نموده و خود پاسخ آن را ارائه می‌کند. اما این پرسش که خود اقسامی دارد: الف) به اعتبار پرسش‌گر: ۱. خداوند سؤال می‌کند، ۲. پیامبر سؤال می‌کند، ۳. سایر مردم سؤال می‌کنند. ب) به اعتبار پاسخ‌گو: ۱. خدا خود پاسخ می‌دهد (به پرسش خود، به پرسش پیامبر، به پرسش مردم و سایرین) ۲. پیامبر پاسخ می‌دهد (به پرسش الهی، به پرسشی که خود پیامبر طرح می‌کند، به پرسش مردم)؛

۲. طرح پرسش و ارائه پاسخ غیر مستقیم از طریق احاله دادن پاسخ به پیامبر ﷺ؛

۳. طرح پرسش و عدم پاسخ به پرسش؛

۴. طرح پرسش غیر مستقیم از پیامبر، از مردم یا مردم و ارائه پاسخ.

البته با دقت در آیات الهی و طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی می‌توان گونه‌های دیگری نیز برشمرد که ما به اینها بسنده می‌کنیم. همچنین ارائه مدل‌های مختلف پرسش و پاسخ در قرآن بر اساس حکمت‌هایی صورت گرفته که برخی از زوایای آن را در مباحث آتی مورد توجه قرار می‌دهیم.

گونه‌های پرسش و پاسخ مستقیم که فراوانی بیشتری در آیات قرآن دارند بیان شد؛ اما نوع دیگر پرسش‌گری قرآن پرسش‌های غیر مستقیم است؛ به این معنا که خداوند مستقیماً سؤالی را مطرح نمی‌کند بلکه این پرسش‌ها را با توجه به مباحث قرآنی به شکل ضمنی می‌توان استخراج نمود. معنای این سخن آن است که در برخی از موارد قرآن مباحثی را مطرح می‌کند که به‌عنوان یک دغدغه و پرسش و شبهه مطرح است و در اصل پاسخ یک پرسش مقدر یا طرح شده را می‌دهد ولی به شکل صریح به طرح پرسش نمی‌پردازد بلکه به شکلی غیر صریح پاسخ مطلوب را ارائه می‌دهد.

پس بر اساس این تقسیم‌بندی می‌توان یکی از روش‌های مهم قرآن در پاسخ‌گویی سؤالات و شبهات دینی را روش پرسش و بیان پاسخ آنها دانست. غیر از تقسیم گونه‌های پاسخ‌گویی به اعتبار مستقیم و غیر مستقیم، معیارهای دیگری را نیز می‌توان برای اقسام پرسش و پاسخ‌ها در قرآن منظور کرد، مثلاً پرسش‌هایی که افراد در سطح جامعه مطرح می‌کردند را مورد توجه قرار داد، اینکه مخاطب پیامبران هستند یا مؤمنان یا سایر مردم یا معاندان و کافران؛ براساس این شاخص نیز می‌توان برای پرسش و پاسخ‌های قرآن اقسامی را بیان کرد.

شکل دیگر پرسش و پاسخ را می‌توان بر اساس هدف پرسش و پاسخ منظور کرد.

در اصل پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن بر اساس یک هدف عالی استوار گردیده و آن هدایت انسان‌ها به حق است. آرمان قرآن هدایت انسان است و برای هدایت‌گری او و نجات وی از کج‌روی و انحرافات به روش‌هایی روی آورده که مهم‌ترین آنها روش پرسش و پاسخ است. روش پرسش و پاسخ هم دستگاه معرفتی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم زمینه عاطفی را برای پذیرش حق در آنها فراهم می‌کند و هم می‌تواند منجر به عملگرایی و تغییر رفتار در افراد شود. در اصل روش پرسش و پاسخ کارکردهای معرفتی، عاطفی و رفتاری را به همراه دارد و زمینه هدایت افراد و ملت‌ها را فراهم و آن را محقق می‌سازد.

اینکه هدف ایجاد زمینه است برای رسیدن به پاسخ یا رسیدن به اصل مطلوب، گاهی پرسش و پاسخ برای دستیابی به واسطه‌های هدایت مثل تذکر، عبرت، تنبیه و توجه است و گاهی مستقیماً می‌خواهد به مطلوب و حق رهنمون شده و به اصل پاسخ بپردازد.

نکته دیگر اینکه مقصود از پرسش و پاسخ در اینجا یک روش - گفتگو است. پاسخ‌گوی دینی می‌تواند برای پاسخ به شبهات و سؤالات - آن چنانکه قرآن اهتمام داشته است - مهم‌ترین سؤالات رایج را طرح و به پاسخ آنها مبادرت ورزد. البته در برخی موارد پرسش و پاسخ به‌عنوان یک شیوه و تکنیک برای تحقق روش‌های دیگر پاسخ‌گویی مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در برخی موارد که روش قرآن استدلالی است از شیوه «پرسش و پاسخ» برای این منظور بهره برده و به شکل پرسش و پاسخ استدلال خود را مطرح می‌کند؛ مثل آیه ده سوره ابراهیم که فرمود: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِئَةُ اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا».

پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن را با توجه به محتوای پرسش‌ها و شبهات نیز می‌توان تقسیم‌بندی نمود؛ مثلاً با توجه به سه حوزه معارفی عقاید، اخلاق و فقه می‌توان اقسامی را بیان کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآن در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، اعتقادی و ... قابل تقسیم‌بندی است. ما با توجه به اهمیت مسائل اعتقادی و فراوانی آن در آیات قرآن کریم به اقسام پرسش‌ها و پاسخ‌های صورت گرفته می‌پردازیم و اجمالاً آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد.

شیوه‌های کاربست «روش پرسش و پاسخ» در مسائل اعتقادی

یکی از مسائل مهم در استفاده از آیات قرآن، کاربردی کردن آنهاست. امروزه تبیین مسائل اعتقادی به‌ویژه پاسخ‌گویی به سؤالات دینی باید بر اساس شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی باشد. ما از پرسش و پاسخ به‌عنوان یک روش کلی یاد کردیم که در مسائل مختلف و حوزه‌های گوناگونی از جمله حوزه‌های فکری، عقیدتی و اخلاقی و حتی مسائل فقهی و حقوقی در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. اما این روش به شیوه‌ها و تکنیک‌هایی نیز مبتنی است که به‌ویژه در مسائل اعتقادی در قرآن نمونه‌ها و مواردی را مورد توجه قرار می‌دهیم. در پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی و تبیین معارف اسلامی این شیوه‌ها می‌تواند مؤثر باشد.

۱. شیوه مستقیم

آن چنان که بیان شد در این نوع از پرسش و پاسخ خداوند صراحتاً و به شکل مستقیم پرسشی را مطرح می‌کند و خود آن را به شکل مستقیم و صریح پاسخ می‌گوید. لذا پرسش و پاسخ به‌عنوان یک بسته محتوایی کامل به مخاطبان ارائه شده است. به‌عنوان نمونه بخش عمده‌ای از پرسش‌های مخاطبان در مورد مسائل اعتقادی است. طرح پرسش‌های اعتقادی به‌گونه‌های مختلف در قرآن صورت گرفته است. مهم‌ترین قسم آن پرسش و پاسخ مستقیم است که خود قرآن عهده‌دار طرح آن است. در این قسم خداوند به شکل مستقیم به طرح پرسش پرداخته و به آن پاسخ می‌دهد، البته همان‌طور که بیان شد این گونه خود اقسامی دارد. گاهی قرآن خود پرسشی را مطرح می‌کند و بدون واسطه به طرح پرسش و پاسخ می‌پردازد و گاهی پرسش مردم را طرح کرده و خود پاسخ آن را می‌دهد و گاهی پرسش پیامبر ﷺ را طرح و خود پاسخ آن را می‌دهد. از طرفی گاهی خداوند پرسش‌های مذکور را طرح و به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که به این پرسش‌ها پاسخ دهد، گاهی نیز پرسش‌های مذکور را طرح ولی پاسخی برای آن منظور نمی‌کند. که ما در این قسمت به طرح پرسش و پاسخ آن نظر داریم.

به‌عنوان نمونه خداوند پرسشی را که مردم درباره روح مطرح کردند را بیان می‌کند و به پیامبر ﷺ امر می‌کند که پاسخ مردم را در این باب بدهد. این پرسش و پاسخ که مربوط به حوزه انسان‌شناسی و در حیطه مسائل اعتقادی است این‌گونه بیان شده است:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. (اسراء / ۸۵)

و از تو درباره «روح» می‌پرسند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است و از دانش، جز اندکی، به شما داده نشده است.

در شأن نزول این آیه که در قالب پرسش و پاسخ مطرح شده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. طبری در تفسیر جامع به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره کرده و بر این باور است که مفسران اختلاف کردند در آنکه روحی که از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال نمودند چیست؟ ابن‌مسعود در شأن نزول این آیه معتقد است جماعتی از یهودی‌ها حضور پیغمبر ﷺ شرفیاب شدند و از حضرتش سؤال نمودند روحی که در جسد انسان است چه حقیقتی دارد و چگونه او را در بدن عذاب کنند که جبرئیل فرود آمد و آیه فوق را آورد. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۰۴)

آنچنان‌که از این روایت بر می‌آید زمینه شکل‌گیری چنین پرسش و پاسخ اعتقادی پرسشی بوده که از پیامبر ﷺ درباره حقیقت روح و چگونگی استقرار آن در بدن و کیفیت عذاب آن در بدن پرسیده‌اند که قرآن را بر آن داشته تا بر اساس روش پرسش و پاسخ دست به ابهام‌گشایی از این مسئله اعتقادی کند.

به‌عنوان نمونه در پاسخ به چستی «روح» در نقلی طبری از ابن‌عباس روایت کرده که طایفه‌ای از یهودی‌ها به قریش گفتند از محمد ﷺ بپرسید آیا روح مخلوق و حادث است یا خیر؟ آیه نازل شد که او از امر و مخلوقات خدا است و قوام حیات و زندگانی انسان منوط به او است و بعضی دیگر گفتند مراد به روح، قرآن است؛ چنانچه فرمود: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا» چه آنها سؤال کردند از آن حضرت ای محمد ﷺ خبر ده ما را از این قرآن که بر تو فرود می‌آید؛ چگونه جبرئیل آن را بر قلب مبارکت اندازد. آیا قدیم است یا حادث و چطور معجزه‌ای است و نظم ترتیب آن مخالف با کلام بشر است. آیه نازل شد و فرمود قرآن از فرمان خدا صادر شده و حادث است نه قدیم و طایفه دیگر گفتند مراد به روح در اینجا حضرت عیسی است که در او شبهه کردند چگونه بی‌پدر بوجود آمد. (طبری، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۷۴) نیز طبری از امیرالمؤمنین ﷺ روایت کرده که فرمود روح نام فرشته‌ای است بزرگتر از جبرئیل و میکائیل و روز قیامت بر یمین عرش بایستد و او مقرب‌تر از فرشتگان است و جای او نزدیک حجاب هفتم باشد. (همان)

آنچنان‌که معلوم است در تمام این اقوال جز قول اول که معتقد است روح از مخلوقات خداست و قوام حیات انسان به اوست. جواب مطابق پرسش و سؤال آنها صادر و واقع شده و در قولی که فرمود روح از فرمان و عالم امر پروردگار است؛ یعنی موجودی است که جز خدا از حقیقت او کسی علم و اطلاع ندارد، چون یهودی‌ها به قریش گفتند از محمد ﷺ بپرسید حقیقت روح چیست؛ اگر جواب بدهد پیغمبر نیست چه عقیده شخص خود را اظهار نموده است. سؤال نمودند آیه فوق در جواب آنها فرود آمد و فرمود شما آدمیان از علم و دانش به آن نصیبی ندارید جز اندکی. این تفاسیر و تبیین‌هایی که از روح در آیه شده نشان می‌دهد باور به روح و پذیرش حقیقت آن همواره ابهامات، سوالات، شبهات و تردیدهایی را به همراه داشته است و تفهیم آن از منظر قرآن بسیار اساسی و ضروری و در اولویت‌های قرآن است و شاید بتوان چنین روشی از طرح پرسش و ارائه پاسخ مستقیم و صریح را به خاطر اهمیت و جایگاه مطلبی دانست که مورد پرسش و پاسخ قرار گرفته است.

در کنار دیدگاه‌های مذکور، اهتمام ائمه معصومین ﷺ به چنین پرسش‌ها و پاسخ‌هایی حائز اهمیت است و ایشان نیز تبیین‌هایی را برای پاسخ به این نوع پرسش‌ها ارائه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در همین باب، در نقلی دیگر عیاشی ذیل آیه فوق از ابی بصیر روایت کرده که از حضرت صادق ﷺ سؤال نمودم روح چیست؟ فرمود روح چیزی است که در تمام حیوانات و انسان وجود دارد مجدداً عرض کردم آن چه چیزی است که در تمام خلائق موجود است؟ فرمود روح از عالم ملکوت و از قدرت خداوندی خلق و ایجاد شده است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۳۱۶)

در روایتی دیگر در تبیین چستی و کیفیت روح در کافی شده که حضرت صادق ﷺ فرمود: روح مخلوقی است بزرگ‌تر

از جبرئیل و میکائیل که همیشه با پیغمبر و ائمه می‌باشد و از ملکوت است. همچنین از زراره روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: روح مخلوقی است از مخلوقات پروردگار برای او قوت بینائی و تأیید است. خداوند قرار داده او را در قلب پیغمبران و ائمه و مؤمنین. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۶۰)

این اختلافات در معنا و مصداق روح نشان می‌دهد مسئله روح یکی از سؤالات اساسی مردم است که خداوند آن را مطرح می‌کند. البته علامه در آثار خود از جمله *المیزان* و *رسالة الانسان قبل الدنيا* به تفصیل به تشریح روح و عالم امر می‌پردازد و روایات را بر اساس دیدگاه خود قابل جمع می‌داند. با این وصف، ظاهر آیه و سیاق آن نشان می‌دهد که مسئله روح از سؤالات مهمی بوده که افراد درباره آن پرسش داشته و دارند و قرآن برای روشن شدن چنین ابهام و سؤالی آن را طرح و به پیامبر صلی الله علیه و آله امر به پاسخ‌گویی می‌کند.

آنچنان که روشن است روش قرآن در اینجا برای پاسخ‌گویی ایجاد پرسش مردم به شکل مستقیم است که نشان می‌دهد پاسخ‌گویی به سؤالات مخاطبان می‌تواند با طرح مهم‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌های آنان باشد، به‌ویژه سؤالات مهم که دغدغه مردم است. برخی سؤالات اعتقادی در قرآن با طرح سؤالات مردم مطرح می‌شود ولی نه به شکل مستقیم و غیابی بلکه از زبان خود مخاطب سؤال منعکس شده و پاسخ آن به وسیله قرآن داده می‌شود؛ مثل سؤالی که آن شخص درباره چگونگی زنده شدن مردگان می‌کرد درحالی که استخوان‌های پوسیده را در دست می‌فشرده.

نکته مهم در شیوه مستقیم و صریح جنبه معرفتی پاسخ است. در اصل در این نوع پرسش و پاسخ، ایجاد معرفت و دستیابی به معرفت راستین مقصود است و برای ترمیم و تصحیح اعتقادات یا پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات اعتقادی از این شیوه استفاده می‌شود. هرچه ما با عقاید و مباحث کلامی مهم‌تر و تأثیرگذارتری مواجه باشیم اهتمام قرآن و بهرمندی از شیوه‌های مستقیم طرح پرسش و پاسخ بیشتر است. البته معنای این سخن عدم استفاده از شیوه‌های دیگر نیست. ای بسا قرآن برای مباحث مهم اعتقادی شیوه‌ها و روش‌های مختلف را متناسب با سطح مخاطبان خود به کار می‌گیرد.

نمونه دیگر از این پرسش و پاسخ مستقیم، شیوه‌ای است که خداوند پرسش را از مخاطب می‌پرسد و از زبان خود مخاطب به آن پاسخ می‌دهد. در این شیوه نیز مسئله معرفت‌افزایی مورد اهتمام و توجه است و به شناخت بهتر از نوع معرفت و عقیده کمک می‌کند درحالی که می‌توان جنبه‌های عاطفی را نیز در آن مورد توجه قرار داد. نمونه‌ای از آن، سؤالاتی است که خداوند از مشرکین مطرح می‌کند و پاسخ مشرکین به مسئله را به‌عنوان حقایق آن طرح می‌کند. در اصل نوع پاسخی که آنان می‌دهند نوعی اعتراف به حق و بازخوانی معرفتی باور آنان است. در آیه ۳۱ سوره یونس این شیوه از پرسش و پاسخ اعتقادی به کار رفته است:

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ.

بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی صاحب اختیار شنوائی و دیدگان است؟ و چه کسی زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌سازد؟ و چه کسی کار [ها] را تدبیر می‌کند؟ پس به زودی [مشرکان] خواهند گفت: خدا [چنین می‌کند]. و بگو: آیا [برگمراهی اصرار می‌ورزید] و خودنگهداری نمی‌کنید؟!

با توجه به این آیه معلوم می‌شود که مشرکان، به رازقیت خداوند و تدبیر امور از سوی او و دخالت در هدایت بشر، اعتقادی نداشتند. از آیه ۳۶ همین سوره فهمیده می‌شود مخالفان آن حضرت به اعتقادانشان چندان مطمئن نبودند و از آیه ۴۰ فهمیده می‌شود عده‌ای از آنان تمایل به پذیرفتن تعالیم آن حضرت داشتند (اما اگر این کار را نمی‌کردند به علت عوامل دیگری نظیر ترس از به خطر افتادن بعضی از منافعشان بود) و از آیه ۳۹ فهمیده می‌شود عده‌ای از آنان تمایل به نوعی «معامله» بین خویش و آن حضرت را داشتند که از سوی آن حضرت، با توجه به آیه ۴۱، به علت نهمی شدید الهی مورد موافقت قرار نمی‌گرفت و از آیه‌های ۴۲ و ۴۳ فهمیده می‌شود عده‌ای، هم علاقه‌مند بودند و هم به علت ضعف شخصیت نمی‌توانستند تصمیم بگیرند که بالاخره چه باید بکنند. با توجه به این مخاطبان، روش پرسش و پاسخی که قرآن بدان اهتمام دارد می‌تواند زمینه تذکر، عبرت، یا هدایت و یا در نهایت اتمام حجت را برای آنها فراهم آورد.

می‌توان برای روند تأثیرگذاری این روش قرآنی دیدگاه مفسران را ملاحظه کرد. برخی از مفسران توجه به نعمت‌های الهی را در این آیات مورد توجه قرار داده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱ / ۸۰؛ طوسی، بی‌تا: ۵ / ۳۷۱؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۳۹) باری در نوع پاسخی که مشرکان می‌دهند دیدگاه‌ها و اقوال متفاوت است. بسیاری از مفسران معنای نزدیک اقرار و اعتراف مشرکان به حقانیت توحید را مطرح کرده‌اند. (طبری، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۶۲) و معتقدند اینان اگرچه مشرک بودند ولی به حقانیت این مباحث باور داشتند. طبری معتقد است کسانی که به صانع باور دارند دو دسته‌اند: عده‌ای که موحدند و باور دارند صانع یکی است و دسته‌ای دیگر که مشرکند (همان) و کسانی مثل ابن‌عاشور معتقد است ایشان چنین اعتقادی را داشتند و خدا از اعتقاد و اعتراف ایشان پرده برداشته است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۷۳) کسانی مثل علامه طباطبایی نیز معتقد است در این آیه حجتی قاطع برای وثنی‌ها و بت‌پرستان اقامه شده است. بدین صورت که بت‌پرستان با پرستش بت‌ها و ارباب بت‌ها را می‌پرستیدند که به عقیده آنان مدبر عالم هستی بود و هر یک از رب‌های گوناگون را به‌خاطر تدبیر خاصی که آن رب داشت می‌پرستیدند. مثلاً ساکنان سواحل دریا رب آب و هر کدام به‌جهتی ربی را می‌پرستیدند. حجتی که در این آیه اقامه شده آن است که تدبیر عالم انسانی و سایر موجودات به دست خدای سبحان است نه به دست غیر او (بر اساس اعتراف خود مشرکین) پس واجب است تنها او را رب بدانند و غیر او را نپرستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۵۰)

در تفاسیر دیگر نیز مشابه این دیدگاه آمده است. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۳۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۴۵؛ طبری، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۶۲)

در نهایت می‌توان این روش را برای اصلاح عقاید باطل به‌کارگرفت و قرآن با این روش و با صراحت و به شکل مستقیم چنین پرسش‌هایی را از آنان مطرح می‌کند تا با پاسخی که از زبان آنها مطرح می‌کند حقیقت را برای آنان آشکار سازد. در پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی این شیوه می‌تواند بسیار مؤثر باشد. چراکه پاسخی که به زبان مخالفان یا پرسش‌گران مطرح شود هم جنبه تأثیرگذاری بیشتر داشته و هم شخص می‌تواند با اذعان و اصلاح عقیده خود زودتر به مطلوب برسد.

۲. شیوه انگیزشی و توبیخی

در کنار بعد معرفتی، بسیاری از پرسش‌های قرآن جنبه عاطفی دارد و یا زمینه برای رسیدن به حق و هدایت است یا به‌عنوان ابزاری برای توجه و ایجاد انگیزه برای تغییر رویکرد افراد مورد توجه قرار می‌گیرد. بخشی از پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن بیشتر جنبه عاطفی دارد و می‌خواهد با تأثیر بر مجاری تحریکی افراد آنها را وادار به فهم و تفکر کند. مثلاً برخی افراد که گمان‌ها و پندارهای باطلی درباره نسبت خود و هستی دارند و فکر می‌کنند عالم تصادفی خلق شده و هیچ سرانجامی در انتظار آنان نیست و در اصل آنها با چنین اعتقاد پوشالی زیست می‌کنند را با سؤال مورد خطاب قرار داده و از روش پرسش و پاسخ می‌خواهد آنان را به جهت عاطفی درگیر کرده و متوجه خطا و اشتباه خود کند. این پرسش از قرآن در راستای روشنگری اعتقادی و باطل خواندن برخی عقاید آنها درباره حیات و زندگی است که قرآن با طرح پرسش آن را به میان آورده است. در آیه زیر، هم بحث معنای زندگی مطرح شده و هم مسئله معاد و بازگشت افراد به‌سوی خدا.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. (مؤمنون / ۱۱۵)

آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به‌سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!

در این آیه قرآن گو اینکه گمان افرادی را که فکر می‌کنند بی‌هوده خلق شده‌اند را زیر سؤال می‌برد و آنها را توبیخ می‌کند که چرا شما به چنین باوری روی آورده‌اید و در اصل با این روش پرسش‌گری اعتقادات آنان را مورد بازخوانی قرار می‌دهد و آنها را در مورد اعتقادشان توبیخ می‌کند.

در قرآن بسیاری از آیات با چنین رویکردی زمینه‌های عاطفی افراد را تحریک و آنان را نهیب زده و وادار به تفکر می‌کند. در آیه ذکر شده مخاطب توبیخ به شکل مستقیم است و منحرفین فکری و اعتقادی مورد خطاب و توبیخ آیه هستند ولی در برخی آیات این توبیخ به شکل مغایب صورت گرفته است که می‌توان شدت وحدت این توبیخ را نشان دهد. از این رو قرآن پرسش‌گری را به شکل مغایب طرح کرده و مشرکان را مورد توبیخ قرار می‌دهد، آنجا که فرمود:

فَلَوْلَا نَصَرَهُمْ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً. (احقاف / ۲۸)

و چرا کسانی که معبودانی غیر از خدا را [برای] نزدیکی [به او] برگزیدند، آنان را یاری نکردند؟! آنچه در آیه آمده و اهل ادب نیز ذکر کرده‌اند در این آیه شریفه «لولا» از ادات توییح بوده و بر فعل ماضی (نَصَرَ) وارد شده است. (صافی، ۱۴۱۸: ۲۶ / ۱۹۴؛ خضری، ۱۴۲۸: ۲ / ۷۶۷) از این جهت گمان و فکر و عقیده مشرکان که اعتقاد داشتند معبودان آنها به کمکشان می‌رسد با طرح چنین پرسشی توییحی باطل اعلام شده و بیان‌کننده سستی و ناروایی چنین عقیده‌ای است.

۳. شیوه ارجاع به درون

برخی از پرسش‌های اعتقادی، مسئله توحید را مطرح می‌کند و البته با عواطف و ساحت گرایشی خواننده و مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. حب و بغض، نفرت و شوق، بیم و امید از نمونه‌های عاطفی هستند که قرآن با طرح سؤالاتی انسان را نسبت به آن تحریک و به‌وسیله آن ایجاد انگیزه می‌کند. یکی از این گرایش‌هایی که قرآن باعث آن است و از طریق پرسش، آن را رقم می‌زند ارجاع به درون است. در این صورت شخص با یک مراجعه درونی و بازخورد درونی پاسخ را می‌یابد. خداوند در بسیاری از آیات به شکل مستقیم از پیامبرش می‌خواهد که این چنین پرسش‌هایی را از مردم مطرح کند. در اصل یک دسته پرسش‌هایی در قرآن کریم است که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: تو از مخاطب خود این گونه و این امور را سؤال کن. این پرسش‌ها همان‌هایی هستند که به‌عنوان تکنیک یا شیوه‌های تأثیرگذاری در روش موعظه و تذکر از آنها استفاده می‌شود و خداوند با طرح چنین پرسش‌های تأثیر درونی بر مخاطب می‌گذارد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ. (انعام / ۴۱ - ۴۰)

بگو آیا ملاحظه کردی، اگر عذاب الهی به سراغ شما آید، یا ساعت [= قیامت] به شما رسد؛ آیا [کسی] غیر خدا را می‌خوانید؟! اگر راست گویند [پس غیر خدا را بخوانید]. بلکه تنها او را می‌خوانید! و اگر [خدا] بخواهد، آنچه را به‌خاطر آن [او را] خوانده‌اید، برطرف می‌سازد و آنچه را شریک [خدا] قرار می‌دهید، فراموش می‌کنید.

در این آیه بیشترین تمرکز قرآن بر یک روش درونی است. در اصل اگر بخواهیم روش‌های تأثیرگذاری یا حتی پاسخ‌گویی قرآن به سؤالات را به یک اعتبار به روش‌های درونی و بیرونی تقسیم کنیم یکی از مهم‌ترین روش‌های درونی را که به شکل عاطفی افراد را وادار به ارجاع به درون و بازخواست و محک درونی می‌سازد روش پرسش و پاسخ است. در اصل اگر روش درونی را یک روش عمده و کلی‌تر قلمداد کنیم در اینجا پرسش و پاسخ یکی از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی است که قرآن برای پیاده‌سازی این روش درونی که بار عاطفی آن هم چشمگیر است به‌کار گرفته است.

باز در آیه دیگر قرآن خداوند شخص را با ایجاد پرسش وادار به چنین مراجعه درونی می‌کند و از روش پرسش و پاسخ در این زمینه استفاده می‌کند. در اصل اینجا روش پاسخ، ارجاع درونی و یک فهم باطنی است که از طریق پرسش و پاسخ صورت گرفته است. در آیه پیش رو نیز خداوند با ایجاد پرسش انسان را به یک مراجعه بی‌واسطه به وجود خودش ارجاع می‌دهد:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ. (انعام / ۴۶)

بگو آیا ملاحظه کردید اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن را به شما می‌دهد؟! بنگر چگونه نشانه‌ها را به‌گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، سپس آنان روی برمی‌تابند!

در این روش نیز قرآن با طرح پرسشی افراد را دعوت به ایجاد یک انگاره درونی می‌کند و قضاوت و داوری آنها را طلب می‌کند. در اصل در این روش قرآن به طرح پرسش می‌پردازد ولی پاسخ آن را که تجربه‌ای درونی است به خود شخص

واگذار می‌کند. در اصل این آیه هم از جمله این موارد است که همه توجهشان به حضور خداوند در عالم و اثبات اداره عالم به وسیله خداست که به صورت پرسش مطرح شده است. این ایجاد پرسش بیدارکننده وجدان و فطرت آدمی است و انسان را وادار به فکر و تنبه درونی می‌سازد. از سویی دیگر آیه فوق‌الذکر بیانگر روش آیه‌ای نیز هست که با بیان آیات و نشانه‌های الهی افراد را وادار به تفکر در آفرینش و خلقت خود ساخته و زمینه‌های معرفتی و عاطفی را در افراد فراهم می‌آید. شبیه آیات فوق این آیه است که فرمود:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. (انعام / ۴۷)

بگو آیا ملاحظه کردی اگر عذاب خدا ناگهان [او پنهان] یا آشکارا به سوی شما آید، آیا جز گروه ستمکاران هلاک خواهند شد؟!

همان‌طور که بیان شد این تکنیک و شیوه‌ای است برای پیاده‌سازی یکی از روش‌های عمده که همان روش درونی یا فطری است. این روش درونی را شاید بتوان روش فطری هم نامید چراکه فطرت همه انسان‌ها به خداوند گواهی می‌دهد ولی ممکن است آن را فراموش کرده باشند. در اصل قرآن با بیان چنین پرسش‌هایی می‌خواهد افراد را متوجه این امر فطری سازد که قدرت و تسلط الهی بر عالم و ربوبیت اوست که موجبات اداره عالم را فراهم ساخته و اگر خدا اراده نمی‌کرد همه عالم معطل می‌ماند، «اگر نازی کند در دم فرو ریزند قالب‌ها». آیه پیش رو مؤید این معناست که خداوند از پیامبر می‌خواهد چنین پرسشی را مطرح تا موجبات بیداری آنان فراهم شود.

این چنین پرسش‌هایی که زمینه بیداری فطری را فراهم می‌کند گاهی متوجه شرایط سخت و دشوار است. یعنی خداوند در قرآن به پیامبر دستور می‌دهد برای بیداری فطری آنها و توجه آنها به خداوند به روش پرسش‌گری، آنها را متوجه حالت خوف و ترس کرده و از ناجی و نجات‌بخش آنان سؤال کند که چه کسی می‌تواند آنها را در حالتی که در حال غرق شدن هستند نجات دهد. این روش ابتدا انگاره و تصور آنان را دست‌خوش خلق وضعیتی می‌کند که حالت غرق شدن در دریاست و از عمق جان خدا را برای یاری می‌طلبند. چنین حالتی انسان را متوجه خدایی می‌کند که اوست که تنها می‌تواند در این حالات سخت و دشوار انسان را نجات دهد. شاهد این مطلب آیه‌ای است در قرآن که با تکنیک پرسش و پاسخ روش فطری را پیاده نموده است:

قُلْ مَنْ يُنجِيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ * قُلْ اللَّهُ يُنجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ. (انعام / ۶۴ - ۶۳)

بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌بخشد؟ درحالی‌که او را فروتنانه [و آشکارا] و پنهانی می‌خوانید [و می‌گویید]: اگر از اینها ما را نجات بخشد، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. بگو خدا شما را از این‌ها و از هر اندوهی نجات می‌بخشد؛ سپس شما [برای او] شریک قرار می‌دهید!

۴. شیوه خودخطابی

یکی دیگر از شیوه‌هایی که قرآن برای طرح پرسش و پاسخ مطرح می‌کند پرسش از خود است. در این شیوه فرد یا گروه، پرسش را به خود برمی‌گرداند و از خود سؤالاتی را مطرح و به آن پاسخ می‌دهند. در اصل بار تأثیرگذاری این روش از آن جهت که شخص خود را مخاطب قرار می‌دهد از جهاتی بیشتر است. در این شیوه از پرسش و پاسخ به شکل غیرمستقیم شخص را با فضای مسئله آشنا ساخته و با متوجه ساختن خود با پرسش، زمینه فهم و معرفت را برای طرف مقابل فراهم می‌کنیم. در اصل با روش پرسش و پاسخ، عواقب مسئله یا پیامدهای آن را برای خود گوشزد می‌کنیم تا طرف مقابل نسبت به عقیده و علت عقیده ما به مطلبی یا اینکه چرا از عقیده‌ای دفاع می‌کنیم آشنا شود و ضمن رفع شبهه و پرسش طرف مقابل ما را مورد بازخواست و سؤال قرار ندهد و زمینه تغییر عقیده و نگاه طرف مقابل نیز فراهم شود. گاهی پرسش‌های قرآن انسان را در مقام فکر و استدلال قرار می‌دهد و با توجه به سود و زیان و منافعی که متوجه انسان است دست به

پرسش‌گری می‌زند. در این صورت انسان دست به محاسبه می‌زند و در مورد منافع و عواقب نوع تفکر خود داوری می‌کند. در این صورت شخص با در نظر گرفتن عواقب انتخاب خود در مسیر هدایت قرار می‌گیرد؛ در این صورت نیز موجبات بیداری اندیشه را فراهم می‌سازد. نمونه آن آیه ذیل است:

قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَوَلَّا يَضُرُّنَا وَتَرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.
(انعام / ۷۱)

بگو آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم [و پرستش کنیم] که سودی به ما نمی‌رساند و زبانی [نیز] به ما نمی‌رساند و بعد از اینکه خدا ما را راهنمایی کرد به گذشته‌های [کفرآمیز] مان باز گردانده شویم؟! همانند کسی که شیطان‌ها او را به سقوط [و گمراهی] کشانده‌اند، درحالی‌که در زمین سرگردان است. [و] او همراهانی دارد که وی را به سوی راهنمایی شدن فرا می‌خوانند، [و می‌گویند]: به سوی ما بیا! بگو به راستی راهنمایی خدا، تنها راهنمایی [حقیقی] است و به ما فرمان داده که برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم.

در برخی از پرسش‌هایی که خداوند دستور طرح آن را برای مخاطبان می‌دهد بر اساس پرسش می‌خواهد آنان را دعوت به یک نوع هم‌اوردی و تحدی کند تا زمینه محک تجربی را در آنان فراهم آورد. در این صورت است که شخص در مقام ادعای خود باید به محک توان و قدرت خویش بپردازد که در این صورت با فهم ناتوانی خود به حق پی می‌برد. بر این اساس، لسان پرسش، آنان را وادار به تأمل می‌سازد. مثل آیه‌ای که در آن خداوند به پیامبر می‌گوید از آنها بپرس که آیا از شریکانتان می‌تواند کسی آفرینش را آغاز کند:

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ. (یونس / ۳۴)

[ای پیامبر!] بگو آیا از شریکان [معبود] شما، کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز گرداند؟! بگو [تنها] خدا آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز می‌گرداند؛ پس چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوید؟!]

اما در برخی آیات برای افراد استدلال وجدانی مطرح کرده و در مباحث پیامبرشناسی استدلال می‌کند. در آیه ۳۵ سوره یونس هم آمده است:

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. (یونس / ۳۵)

بگو آیا از شریکان [معبود] شما، کسی هست که به سوی حق راهنمایی کند؟! بگو [تنها] خدا به سوی حق راهنمایی می‌کند و آیا کسی که به سوی حق راهنمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آنکه راهنمایی شود؟! پس شما را چه شده است؟ چگونه داوری می‌کنید؟!

۵. شیوه مقایسه

شیوه دیگری را که خداوند از طریق و روش پرسش و پاسخ ارائه می‌کند شیوه مقایسه است. قرآن به‌وسیله طرح پرسش انسان را وادار به مقایسه می‌کند؛ چنین قیاسی منجر به تلاش فکری و در نهایت کرنش مخاطب در مقابل حق خواهد شد. به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن با طرح پرسشی به مقایسه پروردگار عالمیان و بت‌ها می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌کند که بین این پروردگار و بت‌ها که سود و زیان خود را نمی‌دانند کدام را ولی و سرپرست خود قرار می‌دهید؛ آنگاه در مقام مقایسه و بهره‌گیری از تمثیل می‌گوید آیا کور و بینا و تاریکی و نور یکی هستند؟ در سوره رعد آمده:

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ. (رعد / ۱۶)

آی پیامبر! بگو چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ بگو: خدا؛ بگو پس آیا غیر از او سرپرستانی گزیده‌اید که برای خودشان مالک هیچ سود و زیانی نیستند؟! بگو آیا نابینا و بینا یکسان‌اند؟! یا آیا تاریکی‌ها و نور یکسان‌اند؟! یا همتایانی برای خدا قرار دادند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟! بگو خدا آفریننده هر چیزی است و او یگانه چیره است.

در این مقایسه شخص با دستکاری در تصورات گذشته خود بین حق و باطل مقایسه می‌کند و در این مقایسه باور و اعتقاد پیشین دست‌خوش تردید و تغییر می‌گردد. در این صورت آرام آرام به سمت حق‌پذیری میل پیدا می‌کند. اصرار قرآن در به‌کارگیری این شیوه استفاده از روش پرسش و پاسخ است؛ چراکه زمینه تحریکی بیشتری در فرد ایجاد می‌کند. کما اینکه در برخی آیات چنین مقایسه‌ای صورت گرفته اما در قالب سؤال نیست. وقتی خداوند از روش پرسش و پاسخ و به شیوه مقایسه بهره می‌برد شخص با تحریک عواطف نسبت به مقایسه عقیده خود با آنچه حق است بیشتر تحریک شده و سریع‌تر دست به بازخوانی عقیده خود و اصلاح آن می‌زند. از این رو روش پرسش و پاسخ با چنین تکنیکی در اصلاح عقیده سازگارتر است.

در قرآن در موارد بسیاری از روش پرسش و پاسخ و به شیوه مقایسه، مسائل اعتقادی مورد توجه قرار گرفته است؛ مثل آیه‌ای که فرمود: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.» (زمر / ۹) این روش پرسش‌گری که به شیوه مقایسه صورت گرفته می‌تواند زمینه تبیین و ارائه معرفت درست باشد؛ چراکه با ایجاد چنین پرسشی و صورت گرفتن چنین مقایسه‌ای دریچه‌های فهم انسان به سوی حقیقت و هدایت گشوده می‌شود و انسان را از لجاج و تعصب‌های بی‌مورد می‌رهاند. البته روش مقایسه خود می‌تواند به شکل مستقل مد نظر باشد که پرداختن به آن خود بحث مستقلی می‌طلبد. به هر حال ما در این بحث از مقایسه به‌عنوان یکی از شیوه‌های پرسش و پاسخ برای پاسخ و تبیین معارف دینی بهره‌مند شدیم.

۶. شیوه اظهار اعجاب و شگفتی

از دیگر شیوه‌ها و تکنیک‌هایی که قرآن استفاده می‌کند و با روش پرسش و پاسخ آن را پیاده‌سازی می‌کند اظهار شگفتی است که در قالب پرسش و پاسخ مطرح شده و با اظهار شگفتی سعی می‌کند بیان کند که چنین عقیده‌ای دور از عقل و خرد و بیش است.

«تعجب» مصدر باب «تَفَعَّلَ» از ماده «عجب» و در لغت به معنای به شگفت آمدن است. (فیومی، ۱۴۲۵: ۲ / ۲۰۴) در میان انسان‌ها گاه مشاهده می‌شود که شخص با دیدن واقعه‌ای، متأثر شده و آن را امری عظیم می‌شمارد و در مورد آن تعبیری همچون «عجب»، «عجیب» و مانند آن به‌کار می‌برد؛ به‌عنوان مثال شخص با دیدن چاهی که آب آن به ناگاه خشک شده و یا با مشاهده بارش باران در آسمان آفتابی و بدون ابر، متأثر شده و آن را امری عجیب، خطاب می‌کند.^۱ (حسن، ۱۳۸۳: ۳ / ۳۳۹) چنین شخصی را «متعجب» و صفت حاصل شده در او را «تعجب» گویند.

در تعریف اصطلاحی «تعجب» نیز گفته شده: تعجب عبارت است از متأثر شدن نفس در مواجهه با واقعه‌ای که علت و سبب آن پوشیده است و به همین جهت با آشکار شدن سبب، تعجب از میان می‌رود. (خضری، ۱۴۲۸: ۲ / ۵۷۱)

در این شیوه با نشان دادن تعجب، پوشیده و مبهم بودن علت و عامل یک عقیده اظهار می‌گردد و شخص را وادار به تأمل و تفکر می‌کند. لذا این اظهار تعجب از عوامل پوشیده و پنهانی که سبب شکل‌گیری یک عقیده باطل شده زمینه‌های شکل‌گیری معرفت صحیح را فراهم می‌کند. البته تعجب بیشتر بعد عاطفی شخص را درگیر می‌کند و زمینه شکل‌گیری تفکر

۱. تعجب شخص ممکن است به جهت گوناگون همچون پوشیده بودن علت و سبب واقعه، نظیر و مانند نداشتن، ندرت و کمی مشابه آن و مجهول بودن حقیقت و ذات آن باشد.

معرفتی را فراهم می‌آورد. چراکه ما همواره نسبت به اینکه دیگران رفتار یا افکار ما را عجیب و ناباورانه تلقی کنند احساس خوشایندی نداریم. از این رو نسبت به نوع رفتار و عقاید خود تجدید نظر کرده و دوباره آنها را بازخوانی می‌کنیم. به‌عنوان نمونه در آیه ۱۷۵ سوره بقره قرآن کسانی را که گمراهی را به هدایت ترجیح می‌دهند و در نهایت، آتش جهنم را بر خود هموار می‌سازند از طریق پرسش مورد اعجاب قرار داده و خداوند با ایراد سؤال به شیوه تعجب این نوع عقیده و رفتار و ترجیح باطل بر حق و انتخاب گمراهی نسبت به هدایت را زیر سؤال برده و شخص را وادار به تفکر درباره عملکرد اعتقادی و رفتاری خود می‌سازد:

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ.

آنان کسانی هستند که گمراهی را با راهنمایی و عذاب را با آموزش مبادله کردند؛ پس چه چیزی آنان را بر آتش شکبیا کرد؟!

آنچنان که اهل ادب گفته‌اند در این آیه شریفه ساختار قیاسی تعجب «ما أفعله» به‌کاررفته و «أصبر» در عبارت «ما أصبرهم»، فعل ماضی جامد و برای انشاء تعجب است. (درویش، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۴۷) در این آیه به مخاطبین گوشزد می‌شود که ضروری است از امر مذکور (شکیبایی آنها در برابر عذاب خداوند) تعجب کنند. (خضری، ۱۴۲۸: ۲ / ۵۷۱) البته به نظر نگارنده سیاق بسیاری از آیات نشانگر تعجب است و بسیاری از موارد، ساختار سماعی دلالت بر تعجب دارد. به‌عنوان نمونه این سؤال قرآن که در آیه ۲۷ نازعات فرمود: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا» می‌تواند دلالت بر تعجب و شگفتی نیز داشته باشد و از این شیوه، قرآن استفاده نموده است.

البته در قرآن نسبت به برخی موارد رفع تعجب و شگفتی شده و قرآن با نفی شگفتی باز درصدد اثبات حقانیت مطلوب خود است؛ به‌عنوان نمونه باز به روش پرسش به شیوه نفی تعجب و اعجاب‌آوردن قصه اصحاب کهف آن را امری حق معرفی می‌کند. در اصل به بیان قرآن آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست بلکه آیات بسیار عجیب‌تری نیز در نزد خدا وجود دارد. وجود آیاتی شگفت‌آورتر از ماجرای اصحاب کهف در نزد خدا:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا. (کهف / ۹)

آیا پنداشتی که اصحاب کهف و رقیم [= یاران غار و صاحبان نوشته]، از نشانه‌های [معجزه آسای] شگفت‌آور ما بودند؟!

نفی شگفتی از ماجرای اصحاب کهف - به‌رغم شگفتی آن در نظر آدمیان - گواه این مطلب است که خداوند، آیاتی بس عجیب‌تر از این داستان نیز آفریده است. آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست، بلکه داستانی است که همه روزه و تا شب و روزی هست، تکرار می‌گردد. در این آیه در اصل با چنین پرسش خداوند تعجب آنان را زیر سؤال برده و حقیقت را برای آنان بازگو کرده است.

نتیجه

قرآن به‌عنوان کتاب راهنمای بشر و عامل هدایت انسان‌ها از روش‌های مختلفی برای هدایت انسان‌ها بهره برده است. یکی از این روش‌ها که فراوانی بیشتر در آیات قرآن دارد و در ابعاد اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی به‌کاررفته است «روش پرسش و پاسخ» است. روش پرسش و پاسخ ضمن آنکه می‌تواند زمینه‌سازی معرفتی برای افراد به همراه داشته باشد و به شیوه طرح سؤالات و پاسخ‌های مستقیم، افراد را به عقیده و معرفت صحیح نائل سازد از نظر عاطفی نیز افراد را وادار به تأمل و تفکر ساخته و زمینه هدایت آنها به مطلوب را فراهم می‌آورد.

قرآن با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف و در قالب بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ دغدغه هدایت انسان‌ها را به عهده دارد. لذا ضمن طرح سؤالات و پاسخ‌های مستقیم از یکسو و نیز دستور به پیامبر به طرح سؤالات و ارائه پاسخ‌ها بر اساس شیوه‌هایی چون خطاب مستقیم، خود خطابی، انگیزش درونی، ایجاد اعجاب و شیوه‌های دیگر زمینه حل شبهات و سؤالات را در افراد فراهم می‌کند. این ادعا با بررسی استفاده این روش پاسخ‌گویی در حوزه سؤالات اعتقادی قابل تبیین است. بخش

عمده‌ای از پرسش‌ها و شبهات مخاطبان در حوزه اصول اعتقادی است و قرآن با بهرمندی از این روش به گونه‌های مختلف سعی در پاسخ و اقناع مخاطب دارد. مسئله ویژگی‌ها و حقیقت روح انسان، تبیین آیات الهی، پرسش‌ها و سؤالات مربوط به شناخت خدا و اوصاف الهی بخشی از معارف اعتقادی است که قرآن با استفاده از شیوه‌های مختلف پرسش و پاسخ درصدد پاسخ‌گویی برآمده است. قرآن با توجه به تأثیر گذاری این روش در ابعاد وجودی انسان به‌ویژه بعد عاطفی و شناختی، زمینه حل شبهات را برای مخاطبان فراهم آورده است؛ لذا روش پرسش و پاسخ بر دو امر استوار است یکی بعد معرفتی و دیگری بعد عاطفی که با پیوند خوردن این دو بعد زمینه تحقق اهداف قرآن که در نهایت به هدف والای هدایت منجر می‌شود فراهم می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ ق، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان - بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
۳. بروجردی، محمدابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر.
۴. پارسانیا، حمید، ۱۳۹۰، روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم، کتاب فردا.
۵. حسن، عباس، ۱۳۸۳، النحو الوافی، تهران، ناصر خسرو.
۶. حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۵، روش‌شناسی علوم سیاسی، ویراست اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۷. خضری، محمد، ۱۴۲۸ ق، حاشیة الخضرى على شرح ابن عقيل على ألفية ابن مالك، بیروت، دارالفکر.
۸. درویش، محیی‌الدین، ۱۴۱۵ ق، اعراب القرآن و بیانه، سوریه، دارالإرشاد، ج ۴.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محمدمهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی ایران.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح مصطفی حسین احمد، مصطفی، لبنان - بیروت، دار الکتاب العربی.
۱۲. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. صافی، محمود بن عبدالرحیم، ۱۴۱۸ ق، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت، دارالرشید مؤسسه ایمان، ج ۴.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ج ۳.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، لبنان - بیروت، دار المعرفة، ج ۱.
۱۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی، ج ۳.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۱.
۱۹. علیخانی، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۸۶، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، التفسیر (تفسیر العیاشی)، محقق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۲۵ ق، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، دارالهجره.
۲۲. کاظمی، سید علی‌اصغر، ۱۳۸۴، روش و بینش در سیاست (نگرشی فلسفی، علمی و روش‌شناختی)، تهران، نشر وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی